

الگو بودن حضرت مریم علیها السلام در قرآن و انجیل*

دکتر زهرا کاشانیها

استادیار دانشگاه شهید رجایی تهران

چکیده

از ویژگی‌های کارآمد در تعلیم و تربیت، ارائه الگو و نمونه‌های عملی است. اگر مکتبی برای پرورش انسان و بالندگی او آموزش‌هایی را مطرح کند ولی قادر به ارائه نمونه و الگو نباشد، ناقص و ناکارآمد خواهد بود. قرآن کریم با ادعای اینکه کتاب هدایت برای جهانیان است، نمونه‌هایی از مردان و زنان را به عنوان «الگو» مطرح نموده است. در این پژوهش از حضرت مریم علیها السلام به عنوان الگو و نمونه یاد شده و ویژگی‌هایی که سبب اسوه بودن اوست و همچنین عوامل مؤثر در تربیت او و نیز صفات برجسته‌ای که علت برگزیدگی او از جانب خداوند متعال گردیده، مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: الگو، اسوه، مریم، زن، قرآن، انجیل.

مقدمه

قرآن یک کتاب انسان‌ساز است. در این زمینه برای ره‌بین به هدف - که همان پرورش انسان‌هاست - نمونه‌هایی در این کتاب آسمانی ارائه شده است. معرفی این الگوها و نمونه‌ها این اثر را دارد که افراد گمان نکنند انجام برخی کارها غیر ممکن است.

آنچه در قرآن بسیار چشمگیر است، این است که خداوند پیامبرانش را به عنوان اسوه در قرآن معرفی نموده تا بدین وسیله حجت بر مردمان تمام باشد و گمان نکنند شاهد مقصود را در آغوش کشیدن و به قرب حق دست یافتن و به تکامل شایسته رسیدن کاری محال است (کاشانیها، ۱۳۸۲، ص ۱۱۹).

در عین حال که خداوند از خوردن و آشامیدن پیامبران، و در کوچه و بازار راه رفتن آنان سخن می‌گوید از آنان مسائلی را مطرح می‌کند که نشان‌دهنده نقطه اوج آنها در قلّه انسانیت و تقرب الهی و نیل به مقامات متعالی است: «إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» (یوسف: ۲۴)؛ البته سعی و تلاش از منظر قرآن، از جمله مسائلی است که سبب ترفیع درجات انسان است: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: ۳۹).

انبیای الهی الگو بشریت

انبیا و پیامبران در مواضع مختلفی در قرآن به عنوان نمونه انسان کامل مطرح شده‌اند و خداوند متعال آنان را به عنوان «اسوه» معرفی نموده است. در سوره

احزاب می‌خوانیم: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، ۲۱): مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود.

«لکم»، که ضمیر مذکر است، خطاب به مردان نیست، بلکه خطاب به همه، اعم از زن و مرد است و توده ناس را شامل می‌گردد؛ چراکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء، ۱۰۷) است و نیز «كَافَّةً لِّلنَّاسِ» (سبا، ۲۸) است. «لِّلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (فرقان، ۱) است؛ لذا وقتی که الگو بودن او در قرآن مطرح می‌گردد، برای همه بشریت است، نه مردان به تنهایی و نه زنان منحصرأ، بلکه شامل هر دو جنسیت می‌گردد.

در فصوص الحکم آمده است: «وای اسوه اعظم من هذا التأسی لمن عقل عن الله تعالی»: و کدام اسوه اعظم از این تأسی است برای کسی که از جانب خدا تعقل کند و بفهمد (حسن راده آملی، ۱۳۷۸، ص ۴۰۱).

همچنین در قرآن مجید مشاهده می‌شود ذات اقدس اله حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام را به عنوان اسوه معرفی می‌فرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ» (بیتحه، ۴): برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت.

در این آیه مشاهده می‌شود تأسی به ابراهیم و همراهان او به همه مردم توصیه شده و ضمیر جمع مذکر «لکم» خطاب به مردم جامعه است و نه مردان جامعه. نکته قابل توجه این است: کسانی که به علت وارسته بودن و مقام معنوی به حدی برسند که دیگران بتوانند از رفتار، کردار، گفتار و به طور کلی، زندگی آنان الگوگیری کنند، به عنوان نمونه «حسن» به مردم معرفی می‌گردند، تا هم مردم

دارای نمونه عملی باشند و هم کسب فضایل و علو درجات انسانیّت برای آنان ممکن به نظر آمده و برای رسیدن به آن تلاش نمایند؛ البته در این رابطه پیامبران و برگزیدگان الهی که مطلقاً زندگی‌شان بر مسیر صواب است و دارای ویژگی عصمت بوده و از خطا و اشتباه مبرا هستند به عنوان الگوی عملی کامل به شمار می‌آیند.

نکته دیگری که در این آیات جلب توجه می‌کند، صفت حسنه است که برای واژه «اسوه» به کار رفته است. این صفت در هر دو آیه‌ای که از انگو بودن پیامبر اکرم حضرت محمد ﷺ و ابراهیم خلیل علیه السلام یاد شده، آمده است. چرا لفظ «حسنة» مطرح شده است؟ علتش این است که اقتدا و پیروی از افراد گاهی می‌تواند حسنه و مفید باشد و گاه غیر مفید؛ اما به دلیل آنکه الگوگیری از پیامبران الهی و برگزیدگان آنها پیروی صحیح و کامل است، واژه «حسنة» برای تأیید به کار رفته است. الگوگیری از دیگران حتی از انسان‌های وارسته و کامل، همیشه مفید نیست؛ چون احتمال اینکه آنان در بعضی از ابعاد، دچار اشتباه یا افراط و تفریط شوند وجود دارد. از این‌رو، خداوند متعال در این آیه با ذکر کلمه «حسنة» می‌فرماید: اقتدا و پیروی از پیامبر یقیناً اقتدایی صواب و نیکوست. کلمه «لقد» در آیه اول و «قد» در آیه دوم بیانگر همین مطلب است و پیروی از دیگران باید پیروی حسنه و صحیح و صواب باشد.

مطلبی که در اینجا قابل توضیح می‌باشد این است که به اذعان مفسران، خداوند متعال هم از زنان و هم از مردان به عنوان الگو یاد کرده و در کتاب مبینش نمونه و مثل آورده است. سؤال این است که آیا الگو معرفی نمودن، همان مثل آوردن است؟ آیا می‌توان بی چون و چرا و در همه جوانب «مثل» را همچون الگو

دانست و به آن تاسی نمود؟ برای روشن شدن مطلب، بعضی از آیاتی را که خداوند متعال به عنوان مثل برای همه اهل ایمان ذکر فرموده متذکر می‌شویم؛ خداوند در سوره «تحریم» می‌فرماید: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأةَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ اِنِّی لَی عِندَکَ بَیِّنَاتٌ فِی الْجَنَّةِ وَنَجَّیْتَنِی مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِیهِ وَنَجَّیْتَنِی مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِیْنَ» (تحریم، ۱۱)؛ و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: پروردگارا، خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش.

در آیه بعد در مورد حضرت مریم علیها السلام می‌فرماید: «وَمَرْیَمَ اِیَّتِنَا عِمرَانَ الَّتِی اٰخَصَّنَا فَرْجَهَا فَفَخَنَّا فِیهِ مِنْ رُوْحِنَا وَصَدَقَتْ بِکَلِمَاتِ رَبِّهَا وَکَتَبْنَا مِنْ اَلْقَاتِیْنِ» (تحریم، ۱۲)؛ و همچنین به مریم دختر عمران که نامان خود را پاک نگه داشت و ما از روح خود در آن دمیدیم او کلمات پروردگار و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و از مطیعان خدا بود.

تبیین معارف بلند در قالب تمثیل، هم شیوه کتاب‌های آسمانی پیشین بوده: «ذٰلِکَ مَثَلُهُمْ فِی التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِی الْاِنْجِیْلِ...» (فتح، ۲۶)؛ چنانچه فخر رازی نقل می‌کند انجیل مشتمل بر سوره‌ای به نام «سورة الامثال» است (فخر رازی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۸۰) و هم سیره تعلیمی قرآن کریم است. قرآن به طور گسترده از مثل استفاده می‌کند: «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِی هٰذَا الْقُرْآنِ مِنْ کُلِّ مَثَلٍ» (اسراء، ۸۹). خاصیت مثل این است که معارف معقول و بلند را به سطح مطالب متخیل و محسوس تنزل می‌دهد تا در سطح فهم همگان قرار گیرد (جوادی آملی، ۱۳۷۱، ج ۲،

ص ۳۲۶.

مثل را به ریسمان تشبیه کرده‌اند که از بالاترین نقطه معرفت به سطح درک توده‌های مردم اتصال می‌یابد تا در قالب مثل، قدرت درک معارف معقول و والا انجام پذیرد و ممثل را در حد توان خویش فهم نمایند.

در سوره «تحریم» خداوند متعال برای تبیین و ایجاد شناخت، مثل‌هایی را به عنوان نمونه‌هایی ذکر کرده است تا آنان که اهل تعقل و تفکرند از آن بهره لازم را ببرند: «وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنُضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (حشر، ۲۱) «وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنُضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يُقَالُهَا إِلَّا لِلْعَالَمُونَ» (عنکبوت، ۴۱ و ۴۲).

خداوند متعال همه مردمان را به نمونه مورد نظر توجه می‌دهد، نه فقط زنان را و نه فقط مردان را؛ آنجا که می‌فرماید: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا...» (تحریم، ۱۱).

خداوند برای همه اهل ایمان، اعم از زن و مرد، همسر فرعون را به عنوان نمونه و الگو معرفی کرده و همچنین در آیه بعد، حضرت مریم علیها السلام را به عنوان اسوه معرفی می‌نماید: «وَمَرْيَمَ إِتَتْ عِمْرَانَ» (تحریم، ۱۲)؛ یعنی «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا وَمَرْيَمَ إِتَتْ عِمْرَانَ...» مریمی که «أَحْصَنَتْ»، «فَنَفَخْنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا»، «وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ» و «مِنَ الْقَائِمِينَ» است.

شاید بتوان گفت: در این گونه موارد، مثل آوردن و الگو ارائه دادن برای یک هدف و یک جهت باشد و آن هم، ارائه نمونه عملی است و در این گونه مثل‌ها خداوند الگو را از جهت خاصی معرفی نموده نه تمام جهات؛ برای مثال؛ همسر

فرعون از آن جهت الگوست که معرفت صحیحی داشته، می‌دانسته که از خداوند چه بخواهد و چگونه بخواهد؛ خدایا برای من «تزد خودت»... آنچه برای او مهم بوده «عندالله» بوده است و سپس بهشت را می‌خواهد، بهشت با معبود را می‌خواهد، نه مانند بعضی‌ها خود بهشت را؛ و در مورد حضرت مریم، اگر از عصمت او بگذریم، از لحاظ عفت و پاکدامنی و تصدیق کلمات پروردگار و کتب آسمانی، الگو و اسوه است.

مریم عذرا در انجیل

آنچه از بررسی‌ها برمی‌آید این است که در انجیل (کتاب مقدس مسیحیان) با وجود آنکه در موارد مختلفی از حضرت مریم علیها السلام، مادر حضرت عیسی علیه السلام یاد شده است، در مورد شخصیت ویژه ایشان زیاد سخن به میان نیامده است؛ به گونه‌ای که میشل دوس استاد تاریخ ادیان و کارشناس ادیان توحیدی در کتاب مریم مسلمان معتقد است نام حضرت مریم در انجیل ۱۹ مرتبه و در عمران ۳۴ مرتبه ذکر شده است.

سوره‌ای نسبتاً طولانی، به نام «مریم» در قرآن نام‌گذاری شده و مقامی بس متیع در حد انبیای الهی برای ایشان در نظر گرفته شده است. در مورد حضرت مریم علیها السلام در انجیل می‌خوانیم:

اما ولادت عیسی مسیح چنین بود که چون مادرش مریم به یوسف نامزد شده بود قبل از آنکه با هم آیند او را از روح القدس حامله یافتند و شوهرش یوسف چون که مرد صالح بود و نخواست او را عبرت نماید، پس اراده نمود او را به پنهانی رها کند، اما چون او در

این چیزها تفکر می‌کرد ناگاه فرشته خداوند در خواب بر وی ظاهر شده، گفت: ای یوسف پسر داود! از گرفتن زن خویش مریم مترسس؛ زیرا که آنچه در وی قرار گرفته است از روح القدس است... (انجیل متی، ۱۹۷۵، ص ۲).

در انجیل لوقا در مورد حضرت مریم علیها السلام چنین آمده است:

و در ماه ششم جبرائیل فرشته از جانب خدا به بلدی از جلیل که ناصره نام داشت فرستاده شد، نزد باکره نامزد مردی مسما به یوسف از خاندان داود و نام آن باکره مریم بود. پس فرشته نزد او داخل شده گفت: سلام بر تو ای نعمت رسیده، خداوند با توست و تو در میان زنان مبارک هستی.

... فرشته بدو گفت: ای مریم، ترسان مباش؛ زیرا که نزد خدا نعمت یافته‌ای و ... (انجیل لوقا، ۱۹۷۵، م. باب اول، ص ۸۷)

در انجیل یوحنا چنین آمده است:

و در روز سوم در قانای جلیل عروسی بود و مادر عیسی در آنجا بود و عیسی و شاگردانش را نیز به عروسی دعوت کردند و چون شراب تمام شد، مادر عیسی بدو گفت شراب ندارد. عیسی به وی گفت: ای زن، مرا با تو چه کار است، ساعت من هنوز نرسیده است. مادرش به نوکران گفت: هر چه به شما گوید بکنید و در آنجا شش قدح سنگی بر حسب تطهیر یهود نهاده بودند که هر یک گنجایش دو یا سه کیل داشت. عیسی به ایشان گفت: قدح ها را از آب پر کنید. و آنها را لبریز کردند... و این ابتدای معجزاتی است که از عیسی در قانای جلیل صادر گشت ... (انجیل یوحنا، ۱۹۷۵، ص ۱۲۵-۱۲۶).

همان گونه که ملاحظه می‌شود در انجیل متی حضرت مریم را نامزد یوسف دانسته، اگرچه مسیح علیه السلام را فرزند او نمی‌داند بلکه فرزند خدا می‌داند؛ ولی در انجیل لوقا دو ویژگی از مریم عذرا مطرح می‌کند که آن «مبارک بودن» و «منتقم بودن» است و در انجیل یوحنا حضرت مریم علیها السلام به عنوان حامی و کمک یار حضرت عیسی علیه السلام در معجزه تبدیل آب به شراب مطرح می‌نماید و در منواری، حضرت مریم علیها السلام را به عنوان نبیه معرفی می‌کند. البته با توجه به متون ذکر شده از انجیل، خوانندگان محترم خود قضاوت خواهند کرد که دیدگاه انجیل در مورد حضرت مریم علیها السلام چگونه است.

حضرت مریم علیها السلام در نگاه اسلام

بنابر روایات فروان، حضرت مریم علیها السلام یکی از چهار زن برگزیده (آسیه، مریم، خدیجه و فاطمه) است (ابن عبدالبر، [بی تا]، ج ۲، ص ۱۲۵).

محل الدین عربی در کتاب فتوحات مکیه پس از بیان اینکه ذکورت و انوثت از اعراض انسانیت است و نه از حقایق آن، روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند و می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله همان گونه به کمال زنان شهادت داد که به کمال مردان؛ و از کاملین زن، به مریم و آسیه اشاره می‌کند: «کمل من الرجال کثیرون و کملت من النساء مریم بنت عمران و آسیه امرأة فرعون» (ابن عربی، [بی تا]، ج ۳).

شیمیل می‌نویسد: «افتخار آمیزترین مقام را حضرت مریم علیها السلام دارد؛ تنها کسی که به نام در قرآن خوانده شده و به عنوان مادر باکره حضرت عیسی علیه السلام مورد تعظیم و تکریم قرار گرفته است» (شیمیل، ۱۳۷۶، ص ۴۴۹).

از منظر قرآن، مریم علیها السلام در مرتبتی است که همسخن فرشته وحی قرار

می‌گیرد و بر وی وحی نازل می‌گردد.

فرشتگان با مریم سخن گفتند و سخن مریم را هم شنیدند، بلکه مشافهتاً و مشاهدهتاً گفتار را با شهود آمیختند، هم مریم آنها را دید و هم آنها در مرآی مریم قرار گرفتند. اینها تعبیرات بلندی است که قرآن درباره مریم علیها السلام دارد که فرشتگان فراوانی با او سخن گفتند و سخنان او را شنیدند و این گفتاری که به صورت شفهی بود به شهود مبدل شد (جوادی آملی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۰).

حضرت مریم علیها السلام از منظر آیات قرآن

در ذیل، به برخی از ویژگی‌ها و اوصاف حضرت مریم علیها السلام از منظر آیات قرآن اشاره می‌گردد:

۱. سیده نساء عالمین زمان خود: قرآن، مریم را سرور زنان عالم معرفی می‌کند، آنجا که می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران، ۴۲)، هنگامی که فرشتگان گفتند: ای

مریم، خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان، برتری داده است.

۲. عفت و پاکدامنی: مریم بنت عمران کسی است که در جای جای قرآن از پاک‌ی و عفت او یاد شده، و خداوند از روح خود به او دمید. مؤید این مطلب، سخن خداوند بزرگ است که می‌فرماید: «وَمَرْيَمُ إِتَتْ عِمْرَانَ الْأُتْيَىٰ أَحْصَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا» (تحریم، ۱۲)، و به مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت و ما از روح خود در آن دمیدیم ...

پس احسان و صیانت و عفت از ویژگی‌های حضرت مریم علیها السلام است که سبب

دریافت روح عیسی علیه السلام در او گردیده: «فَنَفَخْنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا».

و در جایی دیگر، عفت و پاکدامنی مریم از زبان او بیان می‌گردد: «قَالَتْ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ...» (آل عمران، ۴۷): [مریم] گفت: پروردگارا، چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد، در حالی که انسانی با من تماس نگرفته است.

و در جای دیگر آمده است: «قَالَتْ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَطِيئًا» (مریم، ۲۰): [مریم] گفت: چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد، در حالی که تا کنون انسانی با من تماس نگرفته و زن آلوده‌ای هم نبوده‌ام.

۳. یکی از منتخبان الهی: مریم علیها السلام در زمره مصطفین و منتخبین الهی بود: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران، ۴۲) و زمانی که ملائکه گفتند: ای مریم خداوند تو را برگزید و پاکیزه‌ات گرداند و بر تمام زنان عالم برتری داده است.

۴. آیت بودن مریم و فرزندش برای جهانیان: خداوند متعال برای ذکر مقامات و درجات رفیعہ حضرت مریم می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاهَا وَأَبْنَاهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء، ۹۱): ما مریم و فرزندش را آیتی برای جهانیان قرار دادیم.

در این آیه، خداوند مریم علیها السلام و فرزندش حضرت عیسی علیه السلام را به عنوان آیت واحدہ معرفی نموده است. همان قسم که پسر آیتی از آیات خدا به شمار می‌رود، به همین صورت مادر نیز آیتی از آیات خدا به شمار آمده است. احتمالاً عدم تثنیه آیت به این دلیل است که در آیت بودن مادر و فرزند، هیچ‌گونه تفاوت ذاتی و

ظاهری وجود ندارد، به قسمی که این دو نفر به منزله آیت واحدی می‌باشند، و گرنه اگر اختلاف ماهوی بینشان وجود داشت، آن را به صورت تنبیه ذکر می‌کرد: «و آیتین للمالین» همان‌گونه که در آیه «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتِينَ» (اسراء، ۱۲)، آن را تنبیه ذکر کرده است تا بر اختلاف ماهوی و ذاتی بین شب و روز دلالت کند.

در این آیه، مریم علیها السلام و فرزندش حضرت عیسی علیه السلام به عنوان آیت واحد معرفی شده‌اند و تأکید بر مریم علیها السلام و بردن نام او و نسبت دادن عیسی علیه السلام به او بیانگر عظمت وجود مریم علیها السلام است.

۵. صدیقه بودن حضرت مریم علیها السلام: صدیقه بودن از دیگر ویژگی‌هایی است که خداوند برای حضرت مریم علیها السلام در قرآن قایل شده است. این کلمه، مبالغه در تصدیق است؛ بدین معنا که هم مصدقه و صادق و صدیق است و هم صدیق.

صدیقین گروهی هستند که با انبیا و صالحین و شهدا هم‌راه و هم قافله‌اند. اینان قافله‌سالار کوی الهی‌اند. افراد عادی، چه زن و چه مرد، در نماز و نیایش‌ها و عباداتشان از ذات اقدس اله مستثت می‌کنند که «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» راه «منعم علیهم» را به ما نشان بده، یعنی ما را به سوی راهی که سالکان آن راه مورد انعام تو واقع شده‌اند هدایت فرما. خداوند در سوره نساء «منعم علیهم» را مشخص کرده و فرموده: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء، ۶۹) (جوادی آملی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۵).

۶. حضرت مریم در (مره «قانتین»: علی بن ابراهیم) ذیل آیه ۱۲ سوره «تحریم»

که در توصیف حضرت مریم علیها السلام آمده، او را از قانتین دانسته، فرموده است: منظور از «قانتین»، «داعین» است (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ص ۲۰۷).

بنابراین، حضرت مریم علیها السلام از دعوت‌کنندگان به سوی حق تعالی بوده است (فهم کرمانی، ۱۳۷۴، ص ۴۲ - ۴۳).

۷. نبیّه بودن حضرت مریم علیها السلام

آیا زن می‌تواند موقعیت اجتماعی بزرگی همچون پیام‌آوری را به عهده گیرد؟ در این رابطه، نظر کتب آسمانی پیشین و مدارک و منابع اسلامی چیست؟ اگرچه این بحث پیشینه‌ای کهن دارد، ولی در سطح جامعه کنونی ما به دلایل متعدد کمتر مطرح شده است.

کتب عهد عتیق و جدید زنانی را برمی‌شمارد که دارای عنوان «نبیّه و پیامبر» بوده‌اند (فهم کرمانی، ۱۳۷۴، ص ۱۵).

«دبوره» همسر «لفیدوت»، «خلده» زوجه «شلام»، چهار دختر «فلیپس» (اسجیل، باب ۲۱، آیات ۸ تا ۱۰) و «حنا» (انجیل لوقا، باب دوم، آیه ۲۶) به عنوان نبیّه نام برده شده‌اند.

در کتاب تورات پس از نقل داستان غرق شدن فرعون و پیروزی حضرت موسی علیه السلام و بنی‌اسرائیل، سرودی را از حضرت موسی علیه السلام به شکرانه اینکه خداوند پیروزی را نصیبش کرده است، نقل می‌کند و سپس می‌افزاید: «... و مریم نبیّه خواهر هارون گفت: ... خداوند را بسرایید؛ زیرا که با جلال مظفر شده است. اسب و سوارش را به دریا انداخت» (سفر خروج، باب ۱۵، آیات ۲۰ - ۲۲). «در قرآن آیاتی وجود دارد که ظاهراً آنها دلالت بر نبوت حضرت

مریم علیها السلام می‌کند. (فهیج کرمانی، ۱۳۷۴، ص ۲۷).

در اینجا نظر آیت الله جوادی آملی را در مورد نبیه بودن زنان نقل می‌کنیم:

«وحی دو گونه است: ۱. وحی «انبیایی»؛ ۲. وحی «تشریحی».

پیامبر کسی است که نه تنها فرشتگان را در مسائل جهان‌بینی و معارف و مانند آن می‌بیند و سخنان آنها را می‌شنود و... بلکه در مسائل تشریحی نیز ره‌آورد وحی را تلقی می‌کند. شریعت را از فرشته‌ها دریافت می‌کند و مسئولیت رهبری جامعه را به عهده می‌گیرد و احکام مولوی را فرا گرفته و به مردم ابلاغ می‌کند... رسالت یعنی رهبری جامعه، یعنی جریان تشریح و نبوت تشریحی، بیان حلال و حرام، واجب و مستحب، مکروه و مباح و مانند آن؛ یک نبوت و رسالت خاصی است که چون مقام اجرایی است به عهده مردها گذاشته شده. ولی نبوت انبایی بدین مفهوم است که فردی از طریق وحی مطلع شود که در جهان چه می‌گذرد، آینده جهان چیست؟ آینده خودش را ببیند و از آینده دیگران نیز با خبر شود. این نوع از نبوت، به ولایت باز می‌گردد نه به نبوت تشریحی و رسالت اجرایی، اگرچه این نوع از نبوت، پشتوانه هر گونه رسالت و نبوت تشریحی است، اما اختصاص به مردان ندارد، بلکه زنان نیز می‌توانند به این مقام دست یابند» (جوادی آملی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۳ - ۱۴۴).

نویسنده محترم کتاب *زن و پیام‌آوری*، به طور مبسوط و بسیار مستدل نبیه بودن حضرت مریم علیها السلام را ثابت نموده است که پرداختن به آن در این مقال نمی‌گنجد. از این رو، پژوهشگران محترم به کتاب مزبور ارجاع داده می‌شوند.

این قسمت را با سخنان شهید مطهری به پایان می‌بریم:

قرآن درباره مریم مادر عیسی می‌گوید: کار او به آنجا کشیده شده بود که در محراب عبادت، همواره ملائکه با او سخن می‌گفتند و گفت و شنود می‌کردند. از

غیب برای او روزی می‌رسید، کارش از لحاظ مقامات معنوی آن قدر بالا گرفته بود که پیامبر زمانش را در حیرت فرو برده بود، او را پشت سر گذاشته بود، زکریا در مقابل مریم مات و مبهوت مانده بود (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۱۱۹).

مریم علیها السلام الگویی فرا جنسیتی

انسان از ابعاد گوناگونی قابل شناخت، تحلیل و بررسی است؛ از جمله از بعد:

روان‌شناسی - انسان‌شناختی و فردی (ابعاد معرفتی شامل اعتقاد، خلق و خوی، رفتار و...) و نیز بعد هویت اجتماعی، جامعه‌شناختی و مسئولیت اجتماعی و نقش و رسالت و جایگاه و مکانیت انسان.

الگوطلبی و پیروی از اسوه، از گرایش‌های انسان محسوب می‌شود که از زمان کودکی نیز در انسان فعال است و یکی از راه‌های موفق برای تربیت انسان به شمار می‌آید. به عبارت دیگر، پیروی از الگو جزء نیازهای بشری است که در جهت کمال‌گرایی و نیل به تکامل به طور فطری در نهاد انسان قرار داده شده است «همانندسازی» واژه دیگری است که مترادف «الگوگیری» به کار می‌رود. خداوند متعال در کتاب تربیتی قرآن کریم، به این نیاز روانی بشر پاسخ داده و الگوهای را معرفی می‌فرماید.

فردی که از دیدگاه قرآن و اسلام و به طور کلی، آموزه‌های دینی به عنوان نمونه عملی مطرح می‌گردد، فردی است که از نظر انسانی در جنبه فردی و اجتماعی فطرت انسانی‌اش به منصف ظهور و شکوفایی رسیده و از نظر اعتقادی، روحی، رفتاری منطبق بر تعالیم و آموزه‌های دینی است و از این رو، اقتدا و پیروی از او سبب نیک‌بختی و سعادت و تکامل انسان می‌گردد.

او کسی است که آرمان‌های بلند انسانی و اجتماعی دین را درک کرده، دین را پذیرفته و نقش و رسالتش را در رابطه با خداوند، خویش و جامعه ایفا نموده است.

در آیه: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، ۲۱) کلمه «اسوه» به معنای اقتدا و پیروی است و معنی «فی رسول الله» در مورد رسول خدا ﷺ است و اسوه در مورد رسول خدا ﷺ عبارت است از پیروی او و اگر تعبیر کرد به «لکم فی رسول الله» (شما در مورد رسول خدا ﷺ تاسی دارید) که استقرار و استمرار در گذشته را افاده می‌کند، برای این بود که اشاره کند به اینکه این وظیفه همیشه ثابت است و همیشه باید به آن جناب تاسی کنید (طباطبائی، ۱۳۵۷، ح ۳۲، ص ۱۴۳).

در مورد حضرت مریم علیها السلام و الگو بودن او در سوره تحریم به عنوان مثال و نمونه‌ای عملی یاد شده است. ولی آنچه سبب الگو بودن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت ابراهیم علیه السلام و همچنین آسیه زن فرعون و مریم علیها السلام مادر حضرت عیسی علیه السلام شده، ویژگی‌های خاص آنان است.

مریم عذرا از ویژگی‌ها و صفاتی برخوردار بوده است که خداوند وی را به عنوان یک نمونه و الگوی متعالی برای مؤمنان اعم از زن و مرد معرفی می‌نماید. یکی از صفاتی که خداوند متعال در مورد مریم علیها السلام در قرآن مطرح فرموده عبارت است از ویژگی عفت و احسان. همان‌گونه که اشاره شده این پاکدامنی از زبان خود حضرت مریم ذکر شده؛ آنجا که آمده: «... وَ لَمْ يَمْسَسْنِي بَشْرٌ وَّلَمْ أَكُ بَغِيًّا» (مریم: ۲۰).

در سوره تحریم، خداوند متعال همین مطلب را مورد تأیید قرار داده است: «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا...» (تحریم: ۱۲).

از دیگر ویژگی‌های حضرت مریم در قرآن «صدیقه» بودن اوست: «مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ...» (مائده، ۷۵).

همان‌گونه که اشاره شد، «صدیقه» به معنای «مصدقّه» و «صادق» و «صدیق» و «صدیق» است و از القاب حضرت زهرا علیها السلام نیز می‌باشد.

از دیگر ویژگی‌های مریم علیها السلام «عابده» بودن (معنای واژه مریم) است. «عابده» زن عبادت‌کننده است و اصلاً ایشان به این دلیل عنوان خدمتگزار بیت‌المقدس قرار گرفته بود که در بین فرصت‌های به دست آمده به عبادت می‌پرداخت.

از دیگر صفاتی که می‌توان برای این سیده زنان عالم مطرح کرد، صفت «قانت» بودن اوست که خداوند در موردش می‌فرماید: «...وكانت من القانتين»؛ یعنی کسی که اهل قنوت و نماز باشد.

مرحوم مجلسی قانتین را به «داعین» یعنی دعوت‌کنندگان معنا کرده است.

مریم از «راکعین» و نمازگزاران نیز بوده است: «يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ» (آل عمران: ۴۳).

تمام این ویژگی‌ها سبب شد حضرت مریم علیها السلام مصطفای الهی قرار گیرد، به گونه‌ای که در آیه‌ای دو بار واژه «اصطفیک» برایش به کار برده شد.

حال اگر به انجیل مراجعه کنیم - همان‌گونه که اشاره شد - دو ویژگی را می‌توان در این کتاب در مورد حضرت مریم علیها السلام به دست آورد. در یک ویژگی، خداوند نعمت دادن به مریم را لطف و عنایت خود دانسته (متمم) و ویژگی دیگری که به حضرت مریم علیها السلام داده شده «مبارک بودن» اوست؛ یعنی او سبب برکت برای قوم خود بوده است.

در انجیل می‌خوانیم:

و در ماه ششم جبرائیل فرشته از جانب خدا به بلدی از جلیل که ناصره نام داشت، فرستاده شد. نزد باکره نامزد مردی مسما به یوسف از خاندان داود و نام آن

باکره مریم بود.

پس فرشته نزد او داخل شد و گفت: سلام بر تو ای «نعمت رسیده»، خداوند با تو است و تو در میان زنان مبارک هستی ... فرشته به او گفت: ای مریم، ترسان مباش؛ زیرا که نزد خدا نعمت یافته‌ای... (انجیل لوقا، باب اول، ۱۳۹۵ م، ص ۸۷).

قابل ذکر است که حضرت عیسی علیه السلام در خود قرآن مجید آنجا که درصدد معرفی خویش بر می‌آید، خود را با برکت در همه جا مطرح می‌فرماید: «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ» (مریم: ۳۱).

نحوه پرورش و بالندگی مریم علیها السلام از نگاه قرآن و انجیل

تربیت و پرورش انسان‌ها بر دو بعد تکوینی و اکتسابی استوار است.

علماء و دانشمندان در اینکه کدام یک از عوامل وراثت و محیط در افراد مؤثرتر واقع می‌شوند، اختلاف نظر دارند. برخی، عامل وراثت را بر عامل محیط ترجیح می‌دهند. *اگوست کنت و هربرت اسپنسر* و بعضی دیگر، معتقدند وراثت (تکوین) فرد را از لحاظ جسمانی، عقلانی و اخلاقی می‌سازد و اثر محیط در این امور بسیار ضعیف است. عده‌ای دیگر، عامل محیط را بر عامل وراثت ترجیح دادند. افرادی همچون *استوارت میل و جان لاک* و دیگران، می‌گویند: عامل تربیتی مهم، محیط می‌باشد و بسیاری از خصوصیات عقلانی و اخلاقی در محیط رشد و بالندگی پیدا می‌کنند.

واقع امر این است که هر یک از این دو گروه راه افرات و تفریط را در پیش گرفته‌اند و باید گفت که موجود زنده، تحت تأثیر هر دو عامل محیط و وراثت می‌باشد (حجتی، ۱۳۷۰، ص ۱۲۴).

آنچه مورد اتفاق اکثر قریب به اتفاق دانشمندان می‌باشد، این است که حالات انسان‌ها در هر مرحله از زندگی معلول و بازده دو عامل محیط (اکتساب) و وراثت

(تکوین) می‌باشد. پرورش و بالندگی انسان در اثر تأثیرات مختلف، دستمایه‌های اولیه خلقت و تکوین و نیز محیط واقع می‌شود.

عوامل مؤثر در تربیت را در یک دیدگاه کلی می‌توان پنج عامل دانست: مریمی، خود فرد، محیط، وراثت و عوامل معنوی و ماورای طبیعی (کاشانیها، ۱۳۸۱، ص ۲۷).

حال پس از بیان این مقدمه، به زندگی حضرت مریم علیها السلام و نحوه پرورش او می‌پردازیم. مشاهده شد که در نهایت، پنج عامل را می‌توان در پرورش و بالندگی فرد مورد توجه قرار داد که یکی پس از دیگری، به اجمال در زندگی حضرت مریم علیها السلام مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

در اینجا به بررسی همان عوامل مهم پنج‌گانه (مریمی، خود فرد، محیط، وراثت و عوامل معنوی و ماورای طبیعی) در مورد این بانوی با فضیلت می‌پردازیم.

در خصوص عامل اول باید بگوییم مریمی، زکریای پیامبر علیه السلام بود که به تربیت و پرورش وی اهتمام ورزید- اگرچه مریمی اولیه خداوند متعال بوده و کفالت را به زکریا داده است.

اما عامل دوم، یعنی «خود فرد» به طور تام و تمام در حضرت مریم علیها السلام مؤثر بوده، به‌گونه‌ای که بسیار عابده، اهل سجود و رکوع و قنوت، عقیف و محصنه و دور از شیطان (طبق دعای مادر حضرت مریم) بوده است و در هر فرصتی در معبد به خودسازی و نیایش و نماز می‌پرداخته است. از این‌رو، این عامل به طور کامل در تربیت حضرت مریم علیها السلام مؤثر بوده است.

عامل سوم، محیط است. از آن‌رو، که حضرت مریم علیها السلام در معبد، جایی که مردم برای عبادت خداوند متعال جمع می‌شدند، رشد و نمو می‌کرد، تحت تأثیر محیط مناسب هم قرار گرفته بود.

عامل چهارم، از حیث وراثت و تکوین است که حضرت مریم علیها السلام همان‌گونه

که از آیات قرآنی بر می‌آید، از آل عمران بوده و خداوند در کتاب میبشنش «آل عمران» را برگزیده است؛ آنجا که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۳۲).

اولاً، چون عمران خود از آل ابراهیم است، از این رو، خداوند متعال می‌توانست به همان آل ابراهیم بسنده کند و آل عمران را در آیه ذکر نفرماید، ولی به علت فضیلتی که این خانواده داشتند - که تعدادشان هم از سه نفر بیشتر نبود؛ یعنی مادر مریم، خود مریم و عیسی علیه السلام - خداوند متعال جداگانه از آل عمران سخن گفته و آنها را جزء مصطفین و برگزیدگان خود می‌شمارد.

پس، از نظر وراثت و تکوین هم، اصالت نسل و پاکیزگی و مطهر بودن مریم علیها السلام مورد تأیید قرآن است.

عامل پنجم که در پرورش و تربیت انسان نقش دارد، عوامل معنوی و امور ماورای طبیعی است؛ در کرامات مریم علیها السلام و افاضات معنوی او همین بس که در کمالات و کرامات اعجاب پیامبر زمان خود (زکریا علیه السلام) را بر انگیزته بود، به گونه‌ای که هر زمان بر او وارد می‌شد، رزق‌های معنوی در برابر حضرت مریم علیها السلام می‌دید؛ بنابراین، یک تربیت خوب و رشد صحیح و کامل در حضرت مریم علیها السلام جمع بود و می‌توان گفت: برگزیدگی او، هم تکوینی بود و هم اکتسابی که متأسفانه انجیل او را فقط در حد فردی عادی می‌داند که منحصرأ برای تولد عیسی مسیح علیه السلام انتخاب شده بود.

به روایت مسلمانان، مریم دختر عمران و از نسل هارون و از «لاوی» بود، ولی به روایت مسیحیان وی از «لاوی» نبود، بلکه نسبش به داود پادشاه می‌رسید نام مادرش حنا یا حنه بود که خواهرش ایصابت، همسر زکریا پیامبر بود. به روایت

قرآن، همسر عمران در هنگام بارداری، آنچه در رحم داشت، برای خدمت در بیت المقدس نذر کرد. با اینکه فرزند عمران دختر بود، او را در خدمتگزاری معبد آزاد کرد.

حنه او را «مریم»، یعنی عبادت‌کننده، نام نهاد و شوهر خاله‌اش، زکریا توانست، کاهنان را متقاعد کند تا مریم برای خدمتگزاری معبد سلیمان در اورشلیم ساکن شود.

براساس روایت انجیل، مریم یک دختر معمولی بود که تنها در روزهای اعیاد یهودیان به اورشلیم و «هیکل» که معبد است می‌رفت (سایت ویکی پدیا).

در انجیل هیچ نشانه‌ای که حکایت از بترتری و برگزیدگی او باشد، تا پیش از سخن گفتن خداوند با وی وجود ندارد. بر اساس اعتقاد مسیحیان، آنچه موجب انتخاب مریم به عنوان مادر و به دنیا آورنده عیسی مسیح بود، صرفاً یک انتخاب بود که از جانب خداوند و با حکمت او انجام گرفت. به روایت قرآن (آل عمران: ۴۴) کاهنان معبد و علمای بنی اسرائیل برای کفالت و سرپرستی مریم با هم نزاع کردند. سرانجام برای قرعه کشی قلم‌های خود را به آب افکندند. همه قلم‌ها به زیر آب فرو رفت، جز قلم زکریا که روی آب ماند. زکریا کفالت مریم را بر عهده گرفت و اتاقی در بلندای معبد برای مریم بنا کرد و هر چند روز با تردیان از آن بالا می‌رفت و وسایل او را مهیا می‌ساخت (بحرانی، ۱۳۹۱ ق، ج ۳، ص ۷۰۹).

قرآن کریم در مورد کرامت مریم می‌فرماید: «هرگاه زکریا بر محراب او وارد می‌شد، در نزد او روزی می‌یافت. گفت: ای مریم، این را از کجا آورده‌ای؟ گفت: این از نزد خداست، خداوند به هر کس که بخواهد بی‌حساب روزی می‌دهد» (آل عمران: ۳۷).

البته در ارزیابی مقام جلیل و کمالات مریم علیها السلام نقش مهم مادر او را نباید فراموش کرد. بالندگی و پرورش مریم علیها السلام اگرچه به دست زکریا علیه السلام و بر عهده او بوده ولی این امر در مرحله نهایی بود نه در پیدایش ابتدایی (تکوین). مادر این بانو آن شایستگی را داشت که مادر پیامبر به دنیا آورد و این درک والا را داشت که او را به معبد حق اهدا کند و از همه مهم‌تر پذیرش هدیه او از جانب حق به نحو احسن بود: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ» (آل عمران، ۳۷).

ذات اقدس اله می‌دانست که اگر به این بانو کمالی برسد، او امین در حفظ کمال خواهد بود. خداوند به عده زیادی از مردان فضیلت داد و می‌دانست که اینها از عهده آن بر نمی‌آیند و سرانجام رسوا خواهند شد و اعطای فضیلت به آنها از باب «مَعَذِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّكُمْ» (اعراف: ۱۶۴) و اتمام حجت بود. لذا به آنها فضیلت داد، ولی سمت و مأموریت نداد؛ چون کسی که خلاف در کار اوست، اگر مأموریت و سمتی پیدا کند به مبانی دین صدمه می‌زند. به بلعم باعور فضیلت داد ولی سمت نداد. به سامری فضیلت داد ولی سمت نداد. سامری آدم کوچکی نبود، او با چشم درونی‌اش اثر پای فرشتگان را دید و گفت: «بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ» (طه: ۹۶) من دیدم چیزی را که توده ناظران ندیدند... «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ» (انعام: ۱۲۴)

... و مریم از این نمونه بود... لذا در ابتدای پیدایش، مادری همچون ام‌راه عمران، سرپرستی او را بر عهده داشت و بعد وقتی می‌خواهد به نذر خود عمل کند، او را به معبد می‌سپارد و از آن به بعد است که کفلهای زکریا (آل عمران، ۱۳۷) / حوادی آملی، ۱۳۷۱، ص ۱۳۸ - ۱۳۹.

زکریای پیامبر به طور تصادفی سرپرستی مریم را بر عهده نگرفت. واژه «كفَّل» در آیه مزبور دو مفعول دارد. «مكفَّل» خداوند است که این کفالت را به زکریا عنایت فرموده است. از این‌رو، می‌توان گفت که برگزیدگی مریم اگرچه در مرحله‌ای تکوینی است و پیدایش و تکون او با نگاه‌داری در رحم، در سایه تربیت مادری شریف و برگزیده است، ولی در مرحله بقا و پرورش و رشد او، زیر نظر و کفالت زکریا - اگرچه مکفَّل واقعی خداوند است - اکتساب فضیلت می‌نماید.

کرامت مریم و مسئله ارهاص

فضیلت و کرامت مریم، به‌ویژه از منظر قرآن، بر کسی پوشیده نیست، لکن مفسران در اعصار مختلف دو نظر را برگزیده‌اند.

گروهی از «اهل اعتزال» - نظیر زرخسری در کشف - که راه تفریط را پیموده‌اند، مشاهده فرشته و شنیدن سخنان ملائکه را یا به عنوان «کرامت زکریا» آورده‌اند و یا به حساب «ارهاص عیسی علیه السلام» محسوب داشته‌اند و گمان کرده‌اند آن بانو نمی‌تواند به این مقام برسد و از کرامت برخوردار شود و سخنان فرشته‌ها را بشنود و بشارت «صفوه» بودن از فرشته‌ها را دریافت کند و مژده مادر پیامبر شدن را از آنها تلقی نماید. از این‌رو، گفتند: این همه فضایل که نصیب مریم علیها السلام شده، یا به عنوان معجزه زکریاست یا به عنوان پیش‌درآمد اعجاز عیسی علیه السلام می‌باشد به این مسئله از نظر اصطلاح کلامی «ارهاص» می‌گویند. همان‌گونه که پیش از قیامت یک سلسله امور خارق‌عادت رخ می‌دهد که از آن به عنوان «اشراط الساعه» تعبیر می‌کنند. پیش از ظهور یا میلاد یک پیامبر نیز،

یک سلسله امور خارق عادتی رخ می‌دهد که اینها نشانه ظهور یک پیامبر الهی است. در کتاب‌های کلامی از این امور خارق عادت به عنوان ارهاص تعبیر شده است.

اما اهل افراط نظیر قرطبی - که از مفسران معروف اهل سنت است - و همفکران او، معتقدند: مریم دارای سمت نبوت بوده؛ زیرا فرشتگان فراوانی بر او نازل شده‌اند و او را از وحی با خبر کرده و از راه الهام مسئله صفوه و طهارت او را به او اعلام و بشارت مادر پیغمبر شدن را به او اعطا کرده‌اند از این رو، چون مریم وحی فرشته را دریافت کرد و فرشته‌ها بر او وارد شدند و گفت‌وگویی آنها از رتبه مشافهه به مشاهده رسید، پس پیامبر است؛ زیرا فرشتگان بر هر کس نازل شوند و وحی بیاورند و او فرشته را ببیند پیامبر است.

اما امامیه که در طریق قسط و عدل سیر می‌کنند، بر این اعتقادند که تمام این مقامات و کرامات مربوط به خود حضرت مریم علیها السلام است؛ یعنی وصف به حال موصوف است نه متعلق موصوف، و نباید اینها را به حساب اعجاز زکریا گذاشت. از سوی دیگر، مریم علیها السلام به مقام رسالت و نبوت تشریحی نرسیده است و این دو مطلب را مفسران گران قدر امامیه به استناد ظواهر قرآنی، تبیین می‌کنند. اما مطلب اول که همه این کرامات تعلق به خود مریم علیها السلام دارد، به دلیل ظواهر قرآن است که فرشتگان سخن گفتند، اما نه فقط به عنوان هاتف غیب و سروش نهان، بلکه برای او مشهود شدند همچنان که این خطاب‌ها و نناها گاهی به صورت تمثیل هم تجلی کرده است؛ چنان که قرآن می‌فرماید: «فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا قَالَتْ اِنِّي اَعُوذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ اِنْ كُنْتَ تَقِيًّا» (مریم، ۱۸/ همان، ص ۱۴۲ - ۱۴۱).

ظاهر آیات قرآنی بیانگر این است که، خود زکریا هم از خداوند درخواست فرزندى پاک و شایسته می‌کند. به علاوه در زمهره «قانتین»، «راکعین»، «ساجدین» و «عابدین» بودن از اوصاف خود حضرت مریم علیها السلام است، دوام عبادت و خضوع دائمی بیانگر مقام عالی مریم علیها السلام است. تصدیق کلمات حق و احصان و پاکدامنی از فضایل خود مریم علیها السلام در قرآن مطرح شده است. از این رو، این سخن خطای بزرگی (اینکه زمخشری و همفکرانش گفته‌اند این کرامات، یا معجزه زکریا و یا پیش‌درآمد معجزه عیسی بوده) است.

اگر قرطی منظورش نبیّه بودن حضرت مریم علیها السلام باشد، می‌توان پذیرفت، ولی اگر نظرش بر رسالت حضرت مریم باشد، پیش‌تر بحث آن گذشت و در اقسام وحی و دو گونه بودن آن (انبائی و تشریحی) سخن گفته شد. خلاصه آنکه کرامات مریم علیها السلام «ارهاص» نبوده، بلکه به علت مقام والا و شایستگی خود حضرتش بوده است.

علت اختلاف نظرهای موجود در قرآن و انجیل

همان گونه که گذشت، در مورد حضرت مریم علیها السلام و عیسی علیه السلام و بسیاری موارد دیگر، اختلافات زیادی بین قرآن و انجیل وجود دارد، چنان که قرآن می‌فرماید: «اِنَّ هٰذَا الْقُرْآنَ يَقُصُّ عَلٰى بَنِي إِسْرَائِيلَ اَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ» (نمل، ۲۷۶)؛ این قرآن اکثر چیزهایی را که بنی اسرائیل در آن اختلاف دارند برای آنان بیان می‌کند. قرآن در جای دیگر بعد از اشاره به داستان حضرت مریم علیها السلام و معجزه عیسی علیه السلام چنین می‌فرماید: «ذٰلِكَ عِيسٰى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيْهِ يَمْتَرُوْنَ» (مریم، ۲۴)؛ این است عیسی علیه السلام پسر مریم، گفتار حقی که در آن به تردید و اختلاف افتادند.

همان گونه که قرآن اشاره می‌کند، در مسئله مریم علیها السلام و پسرش

عیسی علیه السلام اختلاف کرده‌اند و خداوند متعال در دو سوره «آل عمران» و «مریم» و در دیگر سوره‌ها به جزئیات تکوین و تولد این دو بزرگوار می‌پردازد. و در آیه فوق می‌فرماید: این است عیسی پسر مریم و گفتار حق این است.

به گفته پروفیسور میشل بوس استاد تاریخ ادیان، در انجیل‌های مختلف به بیانی پنج بار و به بیانی دیگر ۱۹ بار نام حضرت مریم آمده است و همان‌گونه که اشاره شد، آن هم در حد یک دختر معمولی و عادی که فقط مادر یک پیامبر گردید. این در حالی است که نه ابتدای زندگی او معلوم است و نه انتهای زندگی‌اش ولی در قرآن مجید غیر از اینکه نام یک سوره قرآن «مریم» نام‌گذاری شده، ۳۴ مرتبه نام «مریم» در این کتاب آسمانی ذکر شده، آن هم با تعاریف و صفات بسیار پسندیده و قابل قبول.

می‌توان علت اختلاف نظرهای موجود در قرآن و انجیل را تحریف این کتاب آسمانی دانست که در طول تاریخ مورد هجمه‌ها و تغییرات و تطورات بسیار قرار گرفته و مسلم است مطالب یک کتاب تحریف شده با یک کتاب حق و مبین متفاوت است. خداوند هم بعد از رد سخنان ناروا از طرف مسیحیان به حضرت مریم علیها السلام و حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید: «سخن حق این است» که قرآن بیان کرده است.

نتیجه

قرآن کریم در صدد ارائه الگو از افراد مختلفی است تا افراد بشر بتوانند میل به الگوگیری را در اسوه‌های حسنه در وجود خود پاسخ دهند. در این میان، حضرت مریم علیها السلام از نمونه‌های بارز و الگوهای حسنه‌ای است که در ابعاد مختلف یک

انسان کامل می‌تواند برای مردان و زنان نمونه باشد.

الگوی حسنه شدن حضرت مریم علیها السلام هم به دلیل تبار نیکو و تکوین الهی بوده است و هم به خاطر پرورش و رشد صحیح او در محیطی سالم و مربیانی همچون مادرش و زکریا (پیامبر زمانش) و هم به علت قابلیت او، و مورد توجه بودن خدای متعال که سبب نزول رزق آسمانی برای او گردید. در مقام مقایسه با انجیل، قرآن صفات حسنه بسیاری را برای حضرت مریم علیها السلام قایل شده و این در حالی است که در انجیل حدود دو صفت نیکو برای حضرت مریم آمده است و اگر تحریف انجیل انجام نمی‌گرفت، به طور حتم و یقین نظرات یکسانی در این دو کتاب - قرآن و انجیل - مشاهده می‌گردید.

منابع

* قرآن کریم

۱. کتاب مقدس (تورات وانجیل).
۲. ابن عبد البر، اندلسی، الاستیعاب، ج ۲، بیروت، [بی‌نا]، [بی‌تا].
۳. ابن عربی، محی الدین، فتوحات مکیه، ج ۳، بیروت، [بی‌تا].
۴. آشتیانی، سید جلال الدین، شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم، ج چهارم، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵.
۵. بحرانی، سید هاشم ابن سلیمان، البوهان فی تفسیر قرآن، ج ۴، بیروت، دارالوفا، ۱۳۹۱.
۶. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، ج دوم، تهران، نشر فرهنگی رجا، ۱۳۷۱.
۷. _____، تفسیر نستیجا، ج سوم، تهران، اسراء، ۱۳۸۱.
۸. حجتی، محمداقرا، اسلام و تعلیم و تربیت، ج اول، ج پانزدهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.
۹. حسن زاده آملی، حسن، مدد الهمم در شرح فصوص الحکم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۰. خوارزمی، تاج الدین حسین، شرح فصوص الحکم، تحقیق حسن زاده آملی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، قم، مرتضوی، ۱۳۶۲.
۱۲. زمخشری، محمود بن عمرا، کشف، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۹۱ ق.
۱۳. شیمیل، آنه ماری، تبیین آیات خداوند، ترجمه عبدالکریم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.
۱۴. طباطبائی، محمد حسین، المیزان، ج ۲، ج پانزدهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.
۱۵. فخر رازی، محمد بن عمرا، تفسیر کبیر، ج ۲، [بی‌جا]، [بی‌تا]، [بی‌تا].
۱۶. فهیم کرمانی، مرتضی، زن و پیام لوری، ج ۲، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۷. قمی، شیخ ابوالحسن علی بن ابراهیم، التفسیر، بیروت، [بی‌نا]، ۱۳۷۰.
۱۸. کاشانیها، زهرا، دو ابزار معجزه (اسا در تربیت، تشویق، تنبیه) تهران، رامین، ج سوم، ۱۳۸۱.
۱۹. _____، زن مطهر جمال خدا، ج دوم، تهران، رامین، ۱۳۸۲.
۲۰. مجلسی، محمد باقرا، بحار الانوار، ج ۱۴، بیروت، مؤسسة الوفا، ۱۴۰۳ ق.
۲۱. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ ۲۷، تهران، صدرا، ۱۳۷۸.